

نگاهی به کارزار جهانی علیه اعدام

شهلا دانشفر، صفحه ۱۱



دستمزد، سناریوی اقتصاددانان سرمایه و سناریوی کارگران

یاشار سهندی، صفحه ۲

مهران محبی: مشروعیت حکومت از جامعه ای که کمر به سرنگونی اش بسته است

مهران محبی، صفحه ۴

تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف و اخباری دیگر صفحه ۵

تجمعات بازنشستگان کشوری در چندین شهر، بزرگداشت صادق تامرادی معلم مبارز صفحه ۶

اعتراضات معلمان خرید خدمت، کارگران سیمان، تظاهرات مردم اراک و خبری دیگر صفحه ۶

۱ بهمن: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و دو تجمع اعتراضی دیگر صفحه ۷

تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف و کشاورزان در تهران صفحه ۷

اخباری از اعتراضات گسترده در صنعت نفت

صفحات ۸-۱۰ و صفحه ۵

از مدیای اجتماعی

بیانیه مشترک ۱۷ تشکل و جمع دانشجویی سراسر کشور: ما اعدام را تحمل نمی کنیم و حکومت

اعدامی را نابود خواهیم کرد! صفحه ۱۴

بیانیه تبیینی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران نسبت به عوارض حضور روحانیون

در مدارس و تداوم سیاست آموزش ایدئولوژیک، صفحه ۱۵

ادامه زندانی کردن شریفه محمدی محکوم است

اخبار دیگری از کارگران زندانی و بازداشتها و احضارها، صفحه ۱۶

قطعه نامه هفته کارزار جهانی علیه اعدامها در ایران، صفحه ۱۲

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۱۵

۲ بهمن ۱۴۰۲

۲۲ ژانویه ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

تب و تاب اعتراضی گسترده
در نفت

شهلا دانشفر، صفحه ۳

کارگران در هفته ای که
گذشت

تنظیم کننده: سهیلا رضوانی
صفحه ۱۳

به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

یاشار سهندی

دستمزد، سناریوی اقتصاددانان سرمایه و سناریوی کارگران



میکنند بخاطر گرانی هولناک لوازم التحریر و سایر هزینه های مربوطه به کابوس تبدیل شده است. در این میان اگر کسی از افراد خانواده دچار بیماری خاصی گردد، اگر بتوانند به ضرب زور هزینه های مربوطه را تامین کنند، آنچه ته آن می ماند مفلس شدن شدید خانواده است. بگذریم که یک بیماری مانند سرما خوردگی می تواند هزینه سنگینی روی دست شما بگذارد. لباس و کفش به کالاهایی تبدیل شده که باید به شدت مواظب باشید به گونه ای مصرف کنید که چند سال دوام بیاورند و گرنه خرید آنها موجب میشود در خرید مایحتاج روزانه دچار مشکل شدید گردید. ...

از همه اینها باشگاه اقتصاددانان با خبر هستند اما با اینحال با سه سناریویی که در مورد افزایش حداقل دستمزدها بررسی کردند نهایتاً به این پیشنهاد رسیدند چون "کارفرمایان با وجود سهم به نسبت اندک دستمزد از هزینه هایشان، حساسیت بالایی به سطح دستمزدها نشان می دهند" راه حل روزنامه مذکور این است: "راه حل نهایی رشد اقتصادی و کاهش تورم در کشور است." این یعنی کارگران باید همچنان بسوزند و بسازند. گیرم که به فرض محال روزی روزگاری این دوراه حل در جمهوری اسلامی ممکن شود باز هم سهم کارگر بیچاره گی است، چرا که با پوست و گوشت و استخوان خویش تجربه کرده ایم به وقت "سازندگی" به توصیه اعضای باشگاه اقتصاددانان اولین و مهمترین اقدام حکومت اسلامی سرمایه، یورش وسیع به سطح معیشت کارگران بود که اکنون به اوج خود رسیده است، و کارفرمایان هر چقدر هم به زحمت افتاده باشند اما کارگر ارزان برای ایشان تضمین شده است.

"آزاد سازی قیمتها" توصیه همیشگی اعضای باشگاه اقتصاددانان بوده است. آخرین مورد آنرا جمهوری اسلامی با ترفند سهمیه بندی آرد نانویان دارد به پیش میرسد. طرحی که ته مانده "سفره ایرانی" را هدف گرفته است. در دنیای اقتصاد ظاهراً "توطئه" معنی ندارد اما طرح سهمیه بندی آرد یک توطئه آشکار برای گران کردن شدید نان است. شما میتوانید در نزدیکی یک مثلاً نانویایی بربری، (به فاصله چند مغازه) که نان بربری با کمی کنجد روی آن با آرد بی کیفیت را به قیمت سه هزار تومان عرضه میکند، نانویایی را مشاهده کنی که نان بربری با آرد با کیفیت کمی بهتر اما در سایز کوچکتر به قیمت ۱۵ هزار تومان عرضه میشود. رژیم اسلامی سرمایه هر چقدر هم "نا کارآمد" اما مهارت عجیبی در بکار بردن خدعه و نیرنگ برای آزاد سازی قیمتها دارد. تلفیق فریب آخوندی و توصیه اقتصاددان معجون عجیبی ساخته است، که نتیجه اش غارت زندگی شده است.

یکی از دروسی که اقتصاددانان از سر گذرانده اند مسئله "عرضه و تقاضا" است؛ رابطه معجزه گری که گویا میتوان همه مصیبتی که سرمایه داری می آفریند به آن نسبت داد. اما بهرحال باشگاه اقتصاددانان باید توضیح دهند چرا تزهایی مانند عرضه و تقاضا در اقتصاد جمهوری اسلامی معکوس عمل میکند. مثلاً چرا با وجود عرضه فراوان گوشت با قیمت هنگفت که بنا به آمار خود حکومت سهم هر فرد حقوق بگیر از گوشت در سال به ۷۰۰ گرم تنزل کرده است به قیمت نجومی ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار

روزنامه حکومتی دنیای اقتصاد نظرات "کارشناسی" معینی را بازتاب میدهد. از جمله کارشناسانی که فکر میکنند جمهوری اسلامی رژیم متعارفی است و یا میکوشند چنین قلمداد کنند، بخشی از آنان هستند. ظاهراً کافی است که "تمشیت امور" بدست "باسوداها" بیفتد تا همه چیز درست شود. روزی نیست که در سایت این روزنامه به تمجید اساتید و نظریات اقتصادی کسانی که جایزه نوبل در اقتصاد را از آن خود کرده اند، یا درس خوانده دانشگاههای ایران هستند در ستون "تازه های باشگاه اقتصاد دانان" نپردازد. باشگاهی که اعضایش تمام حواس شان به اسم رمز سود سرمایه داران، "رشد تولید" است. تیتراژ اول اینچنین روزنامه ای "کف دستمزد در کف" در روز شنبه ۳۰ دی ماه بسیار جلب توجه میکرد. و در مقاله مربوطه "مساله حداقل دستمزد از چالش های به روز اقتصاد ایران" خواننده شده و تلاش شده "نقشه راه" برای برون رفت از این "چالش" را پیش روی دولت بگذارد.

این روزنامه در نموداری "ارزش واقعی حداقل دستمزد در دو دهه اخیر" را نشان داده است که خود گویای فلاکتی است که سال به سال عمیق تر شده است. در آن مقاله ضمن اشاره به اینکه منطقه ای شدن مزد در اولین جلسه شورای عالی کار منتفی شده است، به بررسی "حداقل حقوق های ۱۴۰۳ در سه سناریو" پرداخته است. سه سناریویی که در مقاله مورد بررسی قرار گرفته اینگونه شرح داده شده است: "در اولین سناریو، اگر حداقل دستمزد معادل افزایش دستمزد کارکنان دولت، یعنی ۲۰ درصد افزایش پیدا کند، شاهد افت قدرت خرید افرادی خواهیم بود که حداقل دستمزد دریافت می کنند. بر این اساس، با توجه به تورم حدود ۴۰ درصدی سال ۱۴۰۲، افزایش ۲۰ درصدی دستمزد به این معنا خواهد بود که حداقل دستمزد اسمی سال آینده به ۶ میلیون و ۳۷۰ هزار تومان خواهد رسید که از نظر ارزش، معادل ۴ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان سال ۱۴۰۲ است. به عبارت دیگر، قدرت خرید کارگران، با ارزش ریال سال ۱۴۰۲، معادل ۷۵۰ هزار تومان افت می کند. این قدرت خرید چهار و نیم میلیون تومانی پایین ترین سطح حداقل دستمزد از سال ۱۳۸۲ به حساب می آید. در دومین سناریو، اگر حداقل دستمزد معادل ۴۰ درصد، یعنی به اندازه تورم، افزایش پیدا کند، سطح اسمی دستمزد به ۷ میلیون و ۴۳۰ هزار تومان می رسد و قدرت خرید کارگران در همان سطح ۱۴۰۲ باقی خواهد ماند. به عبارت دیگر، افزایش ۴۰ درصدی حداقل دستمزد اثر صفر بر قدرت خرید و رفاه مزدبگیران بر جای می گذارد. در آخرین و خوش بینانه ترین سناریو، اگر حداقل دستمزد افزایش ۶۰ درصدی را تجربه کند، حداقل دستمزد به سطح ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می رسد و قدرت خرید مزدبگیران سطح ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان را ثبت می کند. این سطح از قدرت خرید، بالاترین مقدار از سال ۱۳۹۶ تا به امروز به حساب می آید. با این حال باید توجه داشت که بخش عمده از نیروی کار ایرانی در بخش غیررسمی و در بنگاه های خرد مشغول به کار است و عموماً قانون حداقل دستمزد به آنها اصابت نمی کند."

این سناریوها در وضعیتی پیشنهاد شده است که افزایش تورم مانند مثلاً سال ۱۳۸۰ نیست که قیمت ها طی همان سه ماهه اول سال رشد سریعی داشت و میتوانستید حداقل با یک حساب و کتابی خرج و دخل را تنظیم کنید که حداقل ترین چیزها را تهیه کنید و اینگونه نبود که شب بخوابید و صبح یکدفعه مواجهه با جهش افزایش قیمتی روبرو شوید که بدون هیچ اغراقی، با پول دیروزتان، یک سوم آن چیزی را تهیه کنید که روز قبل میتوانستید.

خیلی کالاهای ضروری زندگی مانند اقلام خوراکی، از نان گرفته تا گوشت چنان قیمت آنها رشد می یابند که روز بروز در خرید آنها با مشکل مواجه میشوید. گوشت (قرمز) اکنون به کالای لوکس تبدیل شده است. داشتن مسکن مناسب را دیگر در خواب شاید بتوان آرزویش را کرد. تحصیل فرزندان سوای پولی که مدارس طلب



تب و تاب اعتراضی گسترده در نفت - شهلا دانشفر

اعتراضات در نفت دامنه اش گسترده تر شده و با ورود قدرتمند تر کارگران ارکان ثالث و قراردادی ابعاد جدیدی پیدا کرده است. حذف پیمانکاران و افزایش حقوقها دو مطالبه کلیدی این کارگران است که هزاران کارگر را در بر میگیرد و ساختارهای سیاسی-اقتصادی حاکم بر نفت، این شاهرگ اقتصادی حکومت را نشانه میبرد. ضمن اینکه خواستههای فوری کارگران ارکان ثالث از جمله اصلاح و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با هدف بهره مندی از مزایای برابر با سایر ارکان نفت، از جمله تخصیص و بهره مندی از بن کارت، نفت کارت و پاداشهای مصوب وزارت نفت گامی در جهت تضعیف پیمانکاران و عقب زدنشان است.

بعلاوه روز گذشته کارگران قراردادی مناطق نفتخیز جنوب با مطالبه قرارداد مستقیم با وزارت نفت بار دیگر در اهواز تجمع داشتند. با توجه به غالب بودن شکل استخدامهای قراردادی طرح این مطالبه تکانی بزرگ به نفت میدهد.

این در حالیست که بیش از سه ماه است که اعتراضات کارگران رسمی نفت این بخش کلیدی شاغل در نفت علیه تعرضات معیشتی حکومت از جمله تعیین سقف حقوق، دست اندازی به صندوق بازنشستگی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان ادامه دارد.

این چنین است که اعتراضات نفت را فراگرفته و میروند که سراسری شود. به خیرهایی از چند روز اخیر نگاه کنیم:

- در دو روز گذشته کارگران رسمی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری و شرکت فلات قاره در سیری، بهرگان و لاوان تجمع داشت.

- طبق اخبار منتشره شده شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت

امروز یکم بهمن ماه کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند.

روز گذشته کارگران پالایشگاههای اول، سوم، پنجم تا دهم و دوازدهم پارس جنوبی اعتصاب و تجمع داشتند. این تجمعات علیرغم تهدیدات حراست و مدیریت و بدنبال تجمع بزرگ کارگران ارکان ثالث مناطق نفتخیز جنوب در اهواز در ۲۵ دی صورت میگیرد. آنها در همبستگی با کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی که دو روز قبلش اعتراضاتی داشتند، از اعتراضات هفتگی خود خبر داده و اعلام داشتند که در صورت عدم پاسخگویی مسئولین اعتراضاتشان گسترده تر خواهد شد. اعتراضات دو روز اخیر کارگران ارکان ثالث پیرو فراخوانهای قبلی و اولتیماتوم هایشان به مقامات مسئول صورت گرفت.

اعتراضات گسترده در نفت قدرت بخش جنبش کارگری و زمینه ساز اعتصابات سراسری در سطح جامعه است که خود حلقه ای مهم در قدرتگیری خیزش مردمی در کف خیابان است. از اعتراضات نفت وسیعا حمایت کنیم.

مندرج در ژورنال شماره ۶۳۲

معلم زندانی آزاد باید گردد

در پی اعتصاب غذای غلامرضا غلامی کندازی و ایرج راهنما دو معلم زندانی استان فارس در اعتراض به احکام صادر شده زندان برای آنان و پرونده سازی های پوچ امنیتی در ۲۳ دیماه دست به اعتصاب زدند. در پی این حرکت اعتراضی ظرف ۲۴ ساعت طی طوماری اعتراضی بیش از ۲۳۰۰ نفر از معلمان و دیگر اقشار جامعه از معلمان زندانی شیراز از این معلمان زندانی و اعتراض آنها حمایت کردند. ایرج راهنما و غلامرضا غلامی کندازی به ۵ و ۱۱ سال حبس قطعی محکوم شده اند. امضا کنندگان این طومار با ابراز نگرانی از وضعیت این دو همکار زندانی خود امضای جمعی حمایتی از آنان را اولین قدم دانسته و خواستار قبول خواستهای ایرج راهنما و غلامرضا غلامی شدند.

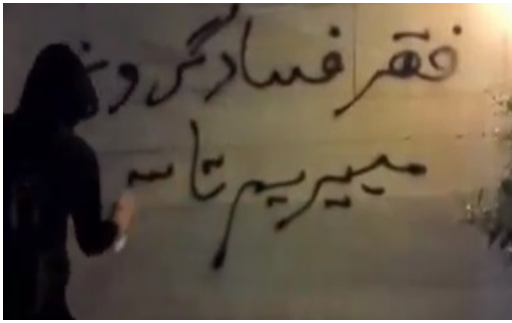
شیراز یکی از کانون های داغ اعتراضات معلمان بوده و در سالهای گذشته، هزاران نفر از معلمان حق طلب در استان فارس با حضور منسجم و پرشمار فصلی با برپایی تجمعات اعتراضی خواستههای برحق خود را طلب کرده اند. در پی این اعتراضات معلمان معترض در این استان همچون همکاران دیگرشان در سطح سراسری که اعتراضاتی داشته اند، هزینه های بسیاری داده اند. یک خواست فوری ما معلمان آزادی همه همکاران زندانی و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای معلمان معترض است. رها معلم



دستمزد، سناریوی اقتصاددانان سرمایه و ... از صفحه ۲

تومان رسیده است؟ به این معنا که تقاضا به شدت سقوط کرده است اما قیمت گوشت نه تنها سقوط نمی کند بلکه نجومی بالا رفته است. مثال دیگر مسکن است. با وجود اذعان کارشناسان حکومتی که چیزی بیشتر از یک قرن لازم است که یک کارگر بتواند با حقوق امروزش آپارتمانی بخرد، اما قیمت مسکن به رشد خود ادامه میدهد و در مقطعی جهش های شدیدی دارد. این در مورد همه کالاها صادق است. خوب خاطرم آنست که همین اقتصاددانان سالهای نه چندان دور ادعا میکردند افزایش دستمزد موجب تورم شدید میشود و خواستار انجماد دستمزدها شدند. اتفاقی که طبق نمودار ارائه شده به وقوع پیوسته است. اما الان زبان به کام گرفته اند چون شاهدند چه مصیبتی بر سر ما مردم آوار شده است. وعده کاهش تورم و رشد اقتصادی، نه وعده ای برای رفاه توده زحمت کش بلکه وعده ای برای سود سرمایه داران است. همچنین وعده هایی را قبلا هم تجربه کردیم؛ نتیجه اش سود کارفرما است که "نسبت اندک دستمزد در هزینه هایش" را بزرگترین "سربار تولید" محسوب میکند.

تنها یک سناریو هست و آن تضمین رفاه ۹۹ درصدیهای جامعه است. راه حل برای رشد رفاه و معیشت و منزلت، تنها و تنها اعتراض در کف خیابان است. و در اولین قدم حداقل دستمزد را نباید آنهایی تعیین کنند که هدف شان تضمین سود سرمایه و در جمهوری اسلامی چپاول زندگی است. و برای این امر کارگران مبارزه سخت را به پیش بردند که علیرغم همه دوز وکلکهای حکومت تعیین حداقل دستمزدها را به چالشی مهم در حکومت اسلامی تبدیل کردند.



مهران محبی: مشروعیت حکومت از جامعه ای که کمربه سرنگونی اش بسته است

کمتر از دو ماه به نمایش رسوای انتخابات دوره دوازدهم مجلس دزدان و فاسدان اسلامی باقی مانده است و سران قاتل و بی اعتبار حکومت از خامنه ای گرفته تا بقیه سران ریز و درشت نظام و دستگاه های تبلیغاتی شان مشغول گدائی مشروعیت هستند و از همه بخشهای مردمی که هر روزه در میدان مبارزه برای به پائین کشیدنش هستند، می خواهند در انتخابات شرکت کنند ولو با نحوه ای که خلاف جمهوری اسلامی و ارزشها و قوانین آن باشند.

جدای از هارت و پورته و تهدیدات از روی استیصال خامنه ای و نوچگانش شنیدن این تقاضاهای عاجزانه از دادخواه داغدار و زن بی حجاب گرفته تا بازنشسته و کارگر و تا معلم و پرستار و مالباخته و مردم خشمگین از مازوت سوزی و آلودگی محیط زیست، واقعیت بن بست اقتصادی، سیاسی، اجتماعی نظام و ناتوانی رژیم برای حفظ و بقای حاکمیتش را بر ذهن متبادر می کند.

خامنه ای از یک طرف می گوید: "کسی که در انتخابات شرکت نکند، با اسلام و جمهوری اسلامی مخالفت کرده و خصم است، یعنی تهدید به برخورد و مقابله و حمله می کند." از طرف دیگر می گوید: "انتخابات پایه و راه حل مشکلات است. اگر مشارکت ضعیف باشد، مجلس ضعیف تشکیل می شود. نبود انتخابات دیکتاتوری یا هرج و مرج و نا امنی و اغتشاش می آورد"، و بدینگونه به التماس کردن افتاده است.

هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان هم می گوید: حق رأی در هیچ قانونی سلب نشده و حتی توسط دادگاه هم سلب شدنی نیست، نباید موضوع حجاب موجب دو قطبی شدن در انتخابات شود".

گذشته از این صحبت های عاجزانه سران رده بالا، حرکات مسخره مأموران دون پایه پلیس در سطح شهرها از قبیل تقدیم شاخه های گل به زنان بی حجاب و یا بوسیدن دست کارگر پاکبان و رفتگر شهرداری را شاهدیم.

جمهوری اسلامی بی نهایت زبون و رسوا شده است. به همین خاطر به هر دری می زند تا عمر خود را هر چند کوتاه مدت افزایش دهد. از جمله شدت بخشیدن به بازداشت مخالفین و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی و سرعت ماشین اعدامها نه از سر قدرت بلکه از سر استیصال حکومت است. اما کمپین وسیعی علیه اعدام برافزوده که جهانی است و خانواده های دادخواهان در صف جلوی قرار دارند. در سطح منطقه ای هم حکومت ناتوان و دست و پا بسته از عملی نمودن تهدیدات اش علیه اسرائیل طی چهل و چهار سال گذشته است. حکومت حاضر است در روز انتخابات بی حجابی را رسماً بپذیرد و قوانین، سنن و معیارهای مذهبی و اسلامی خدا، محمد و قرآن را دور بریزد تا بتواند هر چند هم کم، از دشمنانش و از زنانی که به لبه سقوط اش کشانده اند، رأی بگیرد. از طرف دیگر برای روتوش کردن ناتوانی منطقه ای و به اصطلاح ماست توی کیسه کردنش در برابر اسرائیل و در عین حال تقلا برای امنیتی کردن فضای کلی جامعه و مخصوصاً مناطقی مانند کردستان و سیستان و بلوچستان دست به پرتاب موشک به مناطق مسکونی عراق و پاکستان زد. اما جمهوری اسلامی به هیچ یک از اهداف اش نرسیده و نخواهد رسید. همین جمعه گذشته، دو روز بعد از موشک پرانی به روستاهای پاکستان و یک روز بعد از موشک پرانی تلافی جویانه پاکستان به روستاهای ایران بود که، مردم سیستان و بلوچستان به خیابان آمدند و با شعارهای "مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر سپاه و...." به اعتراض پرداختند.

پاسخ مردم در حال سرنگون کردن جمهوری اسلامی به التماس ها و گدائی کردن های سرانش خیلی روشن و سراسر است، سرنگونی حکومت است. شعار کارگران فولاد

اهواز و بازنشستگان سراسر کشور در اعتراضات و تجمعات، خلع ید از دزدان و فاسدان است. شعارشان به طور مشخص شعار "ما به دزدان رأی نمی دهیم" است. مردم وسیعاً شعار "ما اشتباه کردیم، مملکتو دو دستی تقدیم دزدان کردیم" سر می دهند. معلمان با طنز اعلام می کنند "خدا بیاد التماس کنه، رئیسی پارتی کاندید بشه و جنتی هم تأییدش کند، رأی نمیدیم".

اعتراضاتی از این دست در فضای سیاسی - اجتماعی کشورهای دیگر ممکن است صرفاً صنفی و مطالباتی تلقی شود و بعد از چند روز یا چند هفته با موفقیتهای نسبی ای هم به نفع معترضین به پایان برسد و هر کسی سراغ کار و زندگی اش برود. از جمله در آن کشورها بارها اتفاق افتاده که دولت یا مؤسسات خصوصی را ناچار به تغییر مدیران فاسد و دزد مورد اعتراض توده ای کرده اند.

اما در ایران که مردم تحت حاکمیتی سر تا پا فاسد، دزد و غارتگر هستند، خواست برکناری مدیران فاسد در بخشهای دولتی و نیمه دولتی که اکثریت صنایع تولیدی را در قبضه دارند، تنها به برکناری چند مدیر محدود نمی ماند. کل حکومت هدف اعتراض و پائین کشیده شدن قرار می گیرد.

با فروکش کردن اعتراضات و تظاهراتهای خیابانی مردم امروز در خیلی از اعتراضاتشان با زبان مطالبه گری به میدان می آیند و در قالب شعارهای ظاهراً صنفی بطور واقعی خواهان برچیدن کل بساط فساد و دزدی و کلیت نظام اسلامی هستند. عجز و لابه های سران حکومت در فضای انقلابی حاضر برای کشاندن مردم به پای صندوق های رأی، مردم را بیشتر به قدرت انقلابیشان واقف می کند و التماس های خامنه ای و نوچه هایش سوژه طنز و سرگرمی بیشتر مردم و روحیه تازه گرفتن برای ادامه انقلاب می شوند.

هر شعار به ظاهر صنفی و مطالبه گرانه کارگران، بازنشستگان، معلمان، مالباختگان و غیره، در متن جامعه پر از تلاطم و بدنبال یکسال انقلاب زن زندگی آزادی مضمون عمیقاً ضد حکومتی و سرنگونی طلبانه پیدا کرده است. کارگر، بازنشسته، معلم و پرستاری که می گوید دست دزدان از سفره ما کوتاه، معنایش این است که حکومت دزد و فاسد باید سرنگون شود. بخشهای مزدبگیر معترض جامعه خوب می دانند که تا جمهوری اسلامی در حاکمیت باشد، دست دزدان و فاسدان از سفره هایشان کوتاه نمی شود. وقتی معلمان در بیانیه هایشان خواهان حذف ساختار ایدئولوژیکی و مذهبی از آموزش و پرورش می شوند، یعنی می خواهند که دست مذهب از آموزش و پرورش کوتاه شود و کاملاً واقف هستند که تا جمهوری اسلامی هست، دست مذهب از سر آموزش و پرورش کوتاه نمی شود. مالباخته و مردم آسیب دیده از آلودگی محیط زیست و غیره هم می دانند با وجود جمهوری اسلامی و باندهای مافیایی چپاولگر اموال مردم تحت عناوین پیش فروش خودرو، آپارتمان و غیره و نیز دزدان بودجه های بهبود محیط زیست، این معضلات بر سر جایش باقی خواهد ماند.

بدین ترتیب آنچه که امروزه با بیان صنفی در اعتراضات اجتماعی به حکومت اعلام می شود، عزم و اراده عموم مردم برای انقلاب و سرنگون کردن جمهوری اسلامی است.

تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف و اخباری دیگر



ها در وضعیت صندوق تعاونی کارکنان مخابرات یک موضوع اعتراض بازنشستگان مخابرات است و بنا بر خبرها مبالغ قابل توجهی از اعتبارات این صندوق که متعلق به کارکنان است نامشخص است. از همین رو یک شعار اعتراضی بازنشستگان مخابرات علیه دزدیهای حاکم است. از اعتراضات بازنشستگان باید وسیعا حمایت کرد.

امروز دوم بهمن ماه کشاورزان در اصفهان نیز بار دیگر در اعتراض به وضع وخیم معیشتی و مشکل کمبود و قطعی آب با خواست حقایق دست به تجمع زدند. همچنین بنا بر خبرها کارگران شرکت شیرین عسل از روز گذشته در اعتراض به تبعیض در خصوص حقوق دریافتی از شرکت و سطح نازل حقوقهایشان وارد اعتصاب شدند. مجموعه صنایع غذایی شیرین عسل متعلق به یونس ژانله رئیس اتاق بازرگانی تبریز است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ بهمن ۱۴۰۲، ۲۲ ژانویه ۲۰۲۴

امروز دوشنبه دوم بهمن ماه بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای مختلفی تجمع کردند. بنا بر آخرین گزارشات این تجمعات در شهرهای اراک، رشت، اصفهان، تبریز، مریان، کرمانشاه، اردبیل برگزار شدند.

در رشت بازنشستگان مخابرات مقابل ساختمان مرکزی مخابرات تجمع کردند و با شعاردهی علیه مقامات مسئول و خواست استعفای آنها صدای اعتراضشان را بلند کردند. در اصفهان بازنشستگان با شعار "سهامدار عمده حق ماها را خورده" چپاولگریهای حاکم را به چالش کشیدند و با فریاد "بازنشسته داد بزن حقوقت فریاد بزن" بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند. در اردبیل بازنشستگان مخابرات علیه سرمایه زمستانی و وجود برف در خیابانها راهپیمایی کرده و شعارهای اعتراضی خود را سر دادند. در سنندج بازنشستگان مخابرات تجمع کرده و شعار میدادند: "بازنشسته داد بزن حقوقت فریاد بزن". محور شعارهای در تجمعات بازنشستگان در شهرهای مختلف مشترک بود.

فقر و بی تأمینی و چپاولگری و دزدی و بی پاسخ ماندن موضوع مشترک اعتراضات همه بخش های بازنشستگان است. بازنشستگان مخابرات همچنین به عدم اجرای آیین نامه سال ۱۳۸۹ معترضند. این آیین نامه هنگام واگذاری شرکت به بنیاد تعاون سپاه و ستاد اجرایی فرمان امام تصویب شده و مالک جدید را به پرداخت مطالبات بازنشستگان متعهد کرده است. اما هیات مدیره شرکت نه تنها از پرداخت مطالبات بازنشستگان سر باز زده بلکه سهم بازنشستگان از پرداخت حق بیمه تکمیلی را از ۳۰ درصد به ۵۰ درصد افزایش داده است. همچنین ملحقیات مستمری بازنشستگی از قبیل حق خواروبار را به بهانه نبود نقدینگی قمع کرده است. هم اکنون نیز گزارشات از دزدی های بیشتر در مخابرات خبر میدهند از جمله ناروشنی

اعتصاب کارگران رسمی در فلات قاره در سیری و خارک و شرکت بهره برداری نفت و گاز آغا جاری و دکل شرکت ملی حفاری

کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی نفت. بخشهای مختلف کارگران صنعت نفت در اعتراض هستند و خواستههای اساسی آنها در راستای حذف مدیران و پیمانکاران مفتخور و افزایش حقوقها و ایمنی شرایط کار و رفع تبعیضات است. بهم پیوستگی اعتراضات و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران نفت میتواند حکومت و کل کارفرمایان را به زانو در آورد. صدای کارگران نفت را وسیعا بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ بهمن ۱۴۰۲، ۲۲ ژانویه ۲۰۲۴

اعتراضات در نفت گسترده است. بنا بر اخبار منتشر شده در روز گذشته علاوه بر اعتراضات کارگران ارکان ثالث در مناطق مختلف صنعت نفت از جمله در شرکت نفت و گاز گچساران، کارگران رسمی نفت نیز در فلات قاره در خارک و سیری و همچنین در شرکت بهره برداری نفت و گاز آغا جاری و دکل شماره ۴۰ فتح شرکت ملی حفاری در ادامه یکشنبه های اعتراض خود و برای پیگیری مطالباتشان تجمع داشتند.

خواستههای سراسری کارگران رسمی نفت عبارتند از: برکناری مدیران نالایق، حذف کامل سقف حقوق، حذف تفکیک نادرست مشاغل در مناطق عملیاتی، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای





ا بهمن: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و دو تجمع اعتراضی دیگر

امروز اول بهمن ماه بار دیگر بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به گرانی و فقر و بی پاسخ ماندن مطالباتشان در شهرهای شوش، اراک و اهواز تجمع کردند. در شوش مثل هفته های گذشته بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفته تپه و شوش با هم جمع شده بودند و با سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" صدای اعتراضشان را علیه بردگی حاکم بلند کردند. در اراک بازنشستگان با شعارهای "اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد"، "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "هزینه های دلاریه حقوق ما ریالیه"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت" صحنه پرشوری از اعتراض آفریدند.

بخش های مختلف بازنشستگان مطالبه گر کشوری، تامین اجتماعی، لشکری و مخاربات نیز برای ساعت ده صبح روز سه شنبه سوم بهمن ماه به تجمع بزرگ و مشترکی در مقابل استانداری کرمانشاه فراخوان داده اند. این سومین تجمع مشترک این بازنشستگان در کرمانشاه است. تجمعات مشترک بخش های مختلف بازنشستگان قدمی مهم در جهت متحد کردن صف مبارزاتی ۲۵ میلیون بازنشسته است که شعار "لشکری، کشوری، فولادی، نفتی، تامین اجتماعی" را در اعتراضات خود مدام فریاد میزنند.

امروز همچنین همزمان با بازنشستگان تامین اجتماعی بازنشستگان فولاد به رسم هر یکشنبه در شهرهای قائمشهر، تهران، اصفهان و دامغان تجمع داشتند. در اصفهان جمعیت بزرگی از بازنشستگان فولاد تجمع داشته و با فریاد "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت" بساط چپاول و غارت حکومت را به چالش کشیدند.

شعارهای بازنشستگان در تجمعات این روز همانند همیشه علیه فقر و بی تامینی و چپاولگری های حاکم بود و آنها با شعارهای "نه گرما، نه سرما نیست جلودارمان"، "مشکل ما حل نشه تجمع تکرار میشه" بر تداوم مبارزات خود تاکید داشتند. اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاس ها و دزدی ها و غارت صندوق های بازنشستگی از جمله خواسته های سراسری بازنشستگان است که مبارزات آنها را به هم پیوند میدهد. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند و با فریاد "درد ما درد شماست مردم به

ما ملحق شوید" بر اتحاد مبارزاتی سراسری مردم علیه فقر و بی تامینی تاکید دارند. از مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد.

یک خبر اعتراضی دیگر در این روز تجمع ششصد کارگر شرکت نوین صنعت در ایستگاه راه آهن تهران است که در ایستگاه راه آهن تهران و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و شغلی شان دست به اعتراض زدند. این تجمع علیرغم تهدید به اخراج کارگران معترض از سوی مدیریت برپا شد. به گفته کارگران با وجود اینکه پایه حقوق ماهیانه آنها یازده میلیون تومان تعیین شده است، اما مجموع دستمزد آنها در نهایت حدود ده میلیون تومان است و کارگران به این دزدی آشکار از دستمزدهایشان اعتراض دارند. افزایش حقوقها و اجرایی شدن طرح طبقه بندی مشاغل که میتواند بهبودی در سطح دستمزد کارگران بدهد از جمله خواسته های فوری این کارگران است.

شرکت نوین صنعت تحت نظر راه آهن جمهوری اسلامی فعالیت میکند. آخرین خبر اینکه کارگران وزارت راه و شهرسازی در این روز در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و وضع بد معیشتی خود در برابر اداره کل راه و شهرسازی استان تجمع کردند. یک محور مشترک اعتراضات کارگری امروز خواست افزایش دستمزدهاست.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱ بهمن ۱۴۰۲، ۲۱ ژانویه ۲۰۲۴

تجمعات سراسری بازنشستگان مخاربات در شهرهای مختلف و کشاورزان در تهران

از ۲۷۰ شرکت تولید کننده بذر گندم و جو بدلیل عدم پرداخت پول بذر خود که به وزارت جهاد کشاورزی تحول داده اند، مقابل این وزارت در تهران تجمع کردند. در پلاکاردهای اعتراضی کشاورزان بر بدهی وزارت جهاد کشاورزی از سال زراعی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ تاکید شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۵ دی ۱۴۰۲، ۱۵ ژانویه ۲۰۲۴



امروز دوشنبه ۲۵ دی بازنشستگان مخاربات برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای تهران، خرم آباد، کرمانشاه، اراک، مریوان، ارومیه، بندرعباس، زنجان، اهواز، رشت و شیراز دست به تجمع اعتراضی زدند. در اهواز و کرمانشاه بازنشستگان دست به راهپیمایی زدند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند.

در تجمعات این روز بازنشستگان شعار میدادند: "می جنگیم، می میریم، سازش نمی پذیریم"، "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "بازنشسته بیدار است، از وعده ها بیزار است"، "نه سازش، نه تسلیم، اجرای همسانسازی"، و "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه".

اعتراض بازنشستگان مخاربات به وخیم تر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی شان، اختلاسها و دزدی ها و پاسخ نگرفتن خواسته هایشان است. اجرای همسانسازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، اجرای آیین نامه ی استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ که میتواند بهبودی در دریافتی هایشان ایجاد کنند از جمله مطالبات اعلام شده آنهاست.

بنا بر خبرهای منتشر شده در این روز همچنین شماری از کشاورزان به نمایندگی



تجمعات اعتراضی کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه های اول، سوم، پنجم تا دهم و دوازدهم پارس جنوبی

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی (ارکان ثالث) از ساعت هفت صبح روز شنبه ۳۰ دی تجمعاتی اعتراضی از سوی کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه های اول، سوم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و دوازدهم پارس جنوبی بر پا شد. این تجمعات علیرغم تلاشهای مدیران داخلی و حراست پالایشگاهها برای متفرق کردن کارگران برپا شدند و فراخوان این تجمعات از قبل داده شده و بر هفتگی شدن اعتراضات تاکید شده بود. این کارگران در پیامهای اعتراضی امروز خود اعلام کردند که تا پاسخگویی به خواسته های خود به اعتراض خود ادامه داده و بر ساعات و روزهای تجمعاتشان خواهند افزود. شورای سازماندهی ضمن گزارش این خیر همکاران خود در حوزه های مختلف را به پیوستن به اعتراضات سراسری کارگران ارکان ثالث فراخوانده است.

علاوه بر مطالبه مهم حذف شرکتهای پیمانکاری و افزایش حقوقها، خواستهای فوری این کارگران عبارتند از: اجرای کامل طرح طبقه مشاغل، بهره مندی از نفت- گاز کارت، بن کارت و اعمال مرخصی ۲ به ۲ برای کارگران پشتیبانی. از اعتراضات کارگران نفت حمایت کنیم و صدای آنها را وسیعاً بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ دی ۱۴۰۲، ۲۰ ژانویه ۲۰۲۴

دوستان!

واژه اعتراض "مسالمت آمیز" و واژه های این چنینی را از فرهنگ مبارزاتمان بیرون بیندازیم. ما نیستیم که باید جواب پس بدهیم بلکه این سرمایه دران سودجو هستند که زندگی را بر ما چنین تلخ کرده اند. اعتراضات ما برحق است و این تنها واژه ای است که برای ما کارگران معنا دارد و از خواسته هایمان کوتاه نمی آیم.

ما کارگران ارکان ثالث، اداری - پشتیبانی، رانندگان و کارگران خدماتی شرکتهای پیمانکاری نفت، در اتحاد و همبستگی کامل با حمایت و پشتیبانی شورای مستقل سازماندهی اعتراضات کارگری خود، اعلام می کنیم در برابر بی کفایتی مسئولین و مدیران، با وجود وعده های دروغین و بی اساسشان، متحد تر و متشکل تر از هر وقت ایستاده ایم و پیگیر مطالباتمان هستیم.

#فقط_کف_خیابون_بدست_میاد_حقمون
#معیشت_منزلت_حق_مسلم_ماست

#نه_به_بردگی_مزدی

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت(ارکان ثالث)
چهارشنبه ۲۷ دی ماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدهمای اجتماعی)

اعتراض ما کارگران برحق است

هر هفته جمع میشویم و پیگیر مطالباتمان هستیم.

در روزهای اخیر، در اعتراض به عدم تحقق مطالباتمان و وعده های دروغین و پوچ مسئولین و نمایندگان مجلس، علیرغم کارشکنی ها و تهدیدات حراست و مدیریت حوزه های کاری و بازخواست کردن هایشان از ما، تجمعات اعتراضی خوبی داشتیم. پاسخ قطعی و محکم ما به سرکوب، ارباب و برچسب های معمول و تکراری و بازدارنده، اتحاد و همبستگی بیشتر و مشارکت حداکثری در تجمعات اعتراضی مان بوده است و با اکتاف به شورای سازماندهی اعتراضات خود امروز بیش از هر وقت دیگر، متحد در کنار هم ایستاده ایم، پیگیر مطالباتمان هستیم و بر هفتگی بودن تجمعات اعتراضی خود تا پاسخگویی به خواسته هایمان تاکید داریم.

حذف کامل شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی و افزایش حقوقها دو مطالبه اول ماست و بر اجرایی شدن خواسته های فوری مان چون بازنگاری، اصلاح و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، تخصیص بن کارت، نفت - گاز کارت، رسیدگی به شرایط نایمن محیط های کاری و رفاهی مان اصرار نموده تا حصول نتیجه اعتراضات خود را ادامه داده، در ادامه بر هفتگی شدن تجمعاتمان تاکید داریم.

بعضا تلاش میشود که با گذاشتن صفت "مسالمت آمیز" در مقابل تجمعات اعتراضی ما کارگران، مسیر مبارزه ما را به انحراف بکشند و ما را به وعده و وعیدهای بالایی ها حواله دهند. در واقع این واژه را به کار میبرند تا صدای برحق اعتراض ما را خاموش کنند. این درحالی است که وقتی ما کارگران اعتراض میکنیم و پیگیر حق و حقوقمان میشوم، با حراست طرف هستیم و اگر کمی صدایمان بلندتر شود گارد ویژه هم وارد کار میشود، تهدید به اخراج و دستگیر میشویم، حق و حقوقمان را بالا می کشند، فقر و بی تمانی را به ما تحمیل میکنند و باز ما کارگران هستیم که بدهکار هستیم و باید صد بار قسم بخوریم که اعتراض مسالمت آمیز است...!

به تجربه دریافته ایم که صفت واژه "اعتراض مسالمت آمیز" در عین حال مقدمه ای برای امنیتی کردن مبارزات ماست و اگر کمی بیشتر پافشاری کنیم نیروی گارد ویژه شان که ابزاری در خدمت مفتخوران سرمایه دار است، دست به کار میشود. گویی ما کارگران هستیم که مسالمت آمیز بودن اعتراض را نقض کرده ایم و وقتی اعتراض میکنیم به نقض امنیت عمومی متهم میشویم، که منظور همان امنیت کارفرمایان مفتخور و پیمانکاران برای چپاول بیشتر است.

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW

FREE ALL JAILED TEACHERS IN IRAN

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

اساسی برخی از فعالین کارگری زندانی: داوود رضوی، رضا شهبانی، حسن سعیدی، نسرین جوادی، ابو الفضل عسلی عباس دریس، ریحانه نصاری ژاد، رضا اقبسی، عثمان اسماعیلی، کیوان مهتدی، مهرازان رونق، سپیده کتیان، ارشی جوهری، شرفه حمیدی

اساسی برخی از معادن زندانی: جعفر ابراهیمی، رسول باقی، مسعود زیربمستی، سیمن کوان، ژاک پاری، عباس واحدیان، ابرج قویه، ان نطفه افشاری، شکسته رحیمی، پیمان فرشتگیان، محمود صوفی پور، امیر امین آنگلن، نوش عسلی، محمد طری زحمتکن، نامید شو پیلانه، عزیز قاسم زاده، زینب هرننگ، هشام خواستار، جواد نعل حمیدی، محمود ملکی، افشین زرمجو، غلامرضا غلامی گلذاری

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

ISLAMIC FRONT OF IRAN OUT OF ILO



اعلام حمایت کاملش از اعتراضات همکاران خود بر پیوستن تمام کارگران ارکان ثالث در حوزه های مختلف نفتی به اعتراضات هفتگی و بر حق این کارگران در منطقه نفت خیز جنوب تاکید کرده است. اعتراضات کارگران ارکان ثالث گسترده تر شده است و افزایش حقوقها و خواست بیرون رفتن پیمانکاران از محیط های کار دو مطالبه مهم آنها در اعتراضاتشان بوده است. از سوی دیگر اعتراضات کارگران رسمی نفت بخاطر تعرضات معیشتی حکومت و عدم پاسخگویی به خواستههایشان ادامه دارد. این اعتراضات نشانگر روند سراسری شدن اعتراضات در نفت است و شایسته بیشترین حمایتهاست.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۵ دی ۱۴۰۲، ۱۵ ژانویه ۲۰۲۴

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در مناطق نفت خیز اهواز

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) امروز دوشنبه ۲۵ دی کارگران ارکان ثالث در مناطق نفت خیز جنوب در شهر اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و برای خواست فوری بازنگری، اصلاح و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل که بهبودی در سطح دستمزدهایشان ایجاد میکند دست به تجمع زدند. این چندمین حرکت اعتراضی این کارگران در این رابطه است. خواست کارگران بهره مندی از مزایای برابر با سایر ارکان نفت، تخصیص و بهره مندی از بن کارت و نفت کارت و همچنین پاداش های مصوب وزارت نفت است که در بخشنامه ها کارگران ارکان ثالث نفت را شامل نگردیده است.

کارگران ارکان ثالث مناطق نفت خیز، در همبستگی با کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی اعلام نموده اند در صورت ادامه تبعیضات و عدم پاسخگویی مسئولین در برابر خواسته هایشان، بر تعداد ساعات و روزهای تجمعات اعتراضی در هفته خواهند افزود.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت ضمن گزارش این خبر و

اعتراضات کارگران رسمی نفت در فلات قاره بهرگان

امروز ۲۹ دی کارگران رسمی نفت در شرکت فلات قاره در بهرگان در ادامه اعتراضات خود به تعرضات معیشتی حکومت دست به اعتراض زدند. این کارگران در این روز طی بیانیه ای خواستهای فوری خود را در هفت بند اعلام کردند که رئوس آن عبارتند از: حذف سقف حقوق کارکنان مناطق عملیاتی نفت، اصلاح و افزایش حد اقل حقوق کارکنان جدید الاستخدام، برداشتن عناوین اصلی تخصصی و پشتیبانی عمومی و منع تفکیک کارکنان شاغل در یک نقطه مشترک جغرافیایی، حذف سقف پاداش سنوات بازنشستگی کارکنان مناطق عملیاتی نفت، معافیت مالیاتی کارکنان شاغل در مناطق عملیاتی نفت، پرداخت معوقات اجرای ماده ۱۰ و ضرورت رعایت صحیح مفاد ماده ۱۰ و قانون وظایف و اختیارات وزیر نفت در خصوص استقلال اداری کارکنان عملیاتی نفت از قانون مدیریت خدمات کشوری.

کارگران رسمی نفت در بهرگان روزهای جمعه را بعنوان روز اعتراض خود اعلام کرده اند. از سوی دیگر اعتراضات در میان کارگران ارکان ثالث در نفت نیز با خواست محوری کوتاه شدن دست پیمانکاران و افزایش حقوقها گسترش یافته است و این کارگران در مناطق نفتخیز جنوب و مجتمع های گاز با تاکید بر خواستهای فوری خود از جمله اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پاسخگویی به مطالباتشان از هفتگی بودن اعتراضاتشان خبر میدهند. از خواسته ها و اعتراضات کارگران نفت حمایت و پشتیبانی کنیم و صدایشان را وسیعاً بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ دی ۱۴۰۲، ۱۹ ژانویه ۲۰۲۴



اعتراضات کارگران رسمی نفت و گاز آغاچاری و کارگران ارکان ثالث

صنعت نفت همچنان در التهاب است. امروز چهارشنبه ۲۷ دیماه کارگران شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری در ادامه تجمعات قبلی خود بخاطر تعرضات معیشتی حکومت و بی پاسخ ماندن مطالبات خود دست به تجمع زدند. اعتراضات کارگران رسمی نفت ادامه دارد. خواسته های سراسری و فوری این کارگران عبارتست از: برکناری مدیران فاسد نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ده و پرداخت معوقات آن و توقف دست اندازی به صندوق بازنشستگی خواسته های سراسری کارگران رسمی نفت است.

از سوی دیگر اعتراضات کارگران ارکان ثالث نیز گسترده تر شده است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) طی بیانیه ای تحت عنوان "اعتراض ما کارگران برحق است" بر تجمع هفتگی کارگران ارکان ثالث تا پاسخ گویی به خواسته هایشان خبر داده است. در بخشی از این بیانیه در رابطه با مطالبات کارگران چنین آمده است: "حذف کامل شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی و افزایش حقوقها دو مطالبه اول ماست و بر اجرایی شدن خواسته های فوری مان چون بازنگری، اصلاح و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، تخصیص بن کارت، نفت - گاز کارت، رسیدگی به شرایط نایمن محیط های کاری و رفاهی مان اصرار نموده تا حصول نتیجه اعتراضات خود را ادامه داده، در ادامه بر هفتگی شدن تجمعاتمان تاکید داریم". از خواسته ها و اعتراضات کارگران نفت حمایت و پشتیبانی کنیم و صدایشان را وسیعاً بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - دی ۱۴۰۲۲۷، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۴



تجمع کارگران قراردادی در اهواز و کارگران رسمی نفت در لاوان



امروز شبه ۳۰ دی کارگران قراردادی مناطق نفتخیز جنوب، در اعتراض به عدم اجرای کامل مصوبه دیماه ۱۴۰۰ شورای اداری و استخدامی صنعت نفت (فوق العاده تخصصی و مخصوص) و با خواسته قرارداد مستقیم با وزارت نفت در اهواز تجمع کردند. اصلاح فرمول محاسبه پاداش بهره وری مشابه کارکنان مدت معین و اصلاح فرمول اضافه کاری بر اساس تبصره یک ماده ۳۶ قانون کار دو خواست فوری دیگر این کارگران است.

بعلاوه اعتراضات کارگران رسمی نفت بخاطر عدم پاسخگویی به خواستههایشان ادامه دارد. روز گذشته علاوه بر کارگران رسمی نفت در شرکت فلات قاره در بهرگان، این بخش از کارگران در لاوان نیز تجمع داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ دی ۱۴۰۲، ۲۰ ژانویه ۲۰۲۴



اعتصاب کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران

فضای صنعت نفت بسیار ملتهب است. دور جدیدی از اعتراضات کارگران ارکان ثالث آغاز شده است. بنا بر اخبار منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی (ارکان ثالث) امروز اول بهمن ماه کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران دست از کار کشیده و در مقابل ساختمان مدیریت این مجتمع تجمع و اعتراض کردند. اهم خواستههای اکنهای پیمانکاری، بازنگری، اصلاح و اجرای پیمان کارگران عبارتند از: حذف کامل شرکت کامل طرح طبقه بندی مشاغل، تخصیص کارت نفت-گاز و بن کارت، برخورداری از شرایط ایمن کار و شرایط و مزایای رفاهی متناسب با کار کارگران.

در تجمع اعتراضی این روز کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران در مقابل مدیریت مجتمع ضمن طرح خواستههای خود اعلام کردند که تا وقتی پاسخ نگیرند به تجمعاتشان ادامه خواهند داد.

خواستههای کارگران ارکان ثالث سراسری است و هزاران کارگران را در بر میگیرد. این کارگران روز گذشته نیز با همین مطالبات در پالایشگاه های اول، سوم، پنجم تا دهم و دوازدهم پارس جنوبی تجمع داشتند. قبل از آن نیز در ۲۵ دی تجمعی گسترده از سوی شمار زیادی از کارگران ارکان ثالث شاغل در مناطق نفتخیز جنوب در اهواز بودیم که در همبستگی با کارگران شاغل در پالایشگاههای پارس جنوبی از هفتگی شدن اعتراضاتشان خبر دادند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت ضمن انتشار این خبر و اعلام حمایت کامل خود از این اعتراضات بر تجمعات هفتگی کارگران ارکان ثالث

در تمامی حوزه های نفت برای پیگیری خواستههایشان تاکید کرده است.

روز گذشته کارگران قراردادی مناطق نفت خیز جنوب نیز تجمع داشتند. حذف پیمانکاران مفتخور که سالهاست فشارهای زیادی به کارگران وارد کرده اند، و قرارداد مستقیم با شرکت نفت و گاز، خواست دهها هزار کارگر نفت است.

این اعتراضات در کنار بیش از سه ماه اعتراض از سوی کارگران رسمی شاغل در صنعت نفت نشانگر فضای پر التهاب کاری در این مرکز کلیدی را نشان میدهد و نقش مهمی در زمینه سازی اعتصابات سراسری کارگری در سطح جامعه و پیشروی مبارزات مردمی دارد. از اعتراضات نفت باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ بهمن ۱۴۰۲، ۲۱ ژانویه ۲۰۲۴

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



نگاهی به کارزار جهانی علیه اعدام

شهلا دانشفر

اسلامی را در سطح جهان زیر فشار قرار دهند.

کارزار جهانی علیه اعدامها در ایران رابطه صف مبارزه در داخل و در خارج کشور و فراتر از آن جلب همبستگی جهانی از مبارزات مردمی را به نمایش گذاشت و برای مردم در ایران نوید بخش بود. یک سر قدرتمند کارزار جهانی علیه اعدامها در ایران است و خانواده های دادخواه در صف مقدم آن هستند. نگاهی به بازتاب این کارزار در ایران در هفته ای که گذشت داشته باشیم.

۱- همزمان با کارزار جهانی علیه اعدام نهاد دادخواهان در ایران فراخوان "شنبه تا شنبه" علیه اعدام را منتشر کرد و شنبه ۲۳ دی تا شنبه ۳۰ دی ماه را به اعتراض سراسری علیه اعدام ها فراخوان داد. این نهاد یکی از امضا کنندگان بیانیه ده تشکل کارگری و نهادهای اجتماعی علیه اعدامها بود. بیانیه ای که کل جامعه را به اتحاد سراسری علیه اعدامها فراخوانده بود. در فراخوان شنبه تا شنبه علیه اعدام ها شمار بسیاری از خانواده های دادخواه با استوری کردن عکس فرزندان و عزیزان جانباخته خود به کارزار #نه_به_اعدام پیوستند. همچنین مادران دادخواهی چون گوهر عشقی مادر زنده یاد ستار بهشتی که خود یک چهره درخشان جنبش علیه اعدام است، و همواره با کلیپ های اعتراضی خود علیه اعدامها سخن گفته طی کلیپی بر لغو حکم اعدام شش جوان از کردستان تاکید کرد. و با خانواده های آنان اعلام حمایت نمود.

صفحه ۱۲



روز گذشته بیستم ژانویه روز پایانی یک هفته کارزار جهانی علیه اعدامها بود که با اتحاد بزرگی که حول خود شکل داد شروع دور قدرتمند تری از مبارزه علیه ماشین سرکوب جنایت جمهوری اسلامی را رقم زد.

جمهوری اسلامی برای حفظ حاکمیت کثیف و ضد انسانی خود در برابر مردم به پا خاسته ایران بر حرکت ماشین جنایت و سرکوبش سرعت داده و بر شمار اعدامها افزوده است. کارزار جهانی علیه اعدام کارزاری برای ایستادن در برابر اعدامها و نجات جان انسانهایی است که خطر اعدام آنها فوری است. امضا کنندگان با اعلام اینکه اعدام یک مجازات شیعی و ضد انسانی و یک جنایت سازمانیافته حکومتی است بر حذف آن از قوانین کیفری و بعنوان اولین قدم بر لغو فوری و بی قید و شرط همه احکام اعدام تاکید کرده اند.

در حال حاضر دستکم دوازده زندانی با اتهامات سیاسی یا امنیتی به اعدام محکوم هستند. اسامی آنها عبارتند از: محسن مظلوم، پژمان فاتحی، وفا آذربار، هژیر فرامرزی، انور خضری، کامران شیخه، فرهاد سلیمی، خسرو بشارت، رضا رسایی، فرشید حسن زهی، منصور دهمرده و عباس (مجاهد) کورکوری. این زندانیان در زندان های اوین، قزلحصار کرج، شیپان اهواز، دیزل آباد کرمانشاه و زاهدان، زندانی هستند. باید به نجات جان این جوانان شتافت. احکام اعدام آنان باید فوراً لغو و همه آنها باید بی قید و شرط آزاد شوند.

کارزار جهانی علیه اعدامها در ایران تا هم اکنون دستاوردهای بزرگی داشته و مسیر متحد شدن برای پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی و برداشتن موانع از مقابل حرکت رو به جلوی آنرا مقابل جامعه گذاشته است.

در یک هفته کارزار علیه اعدام ۱۰۱ یک حزب و نهاد و سازمان سیاسی و ۷۳۱ شخصیت سیاسی از این کارزار حمایت و پشتیبانی کردند و در ۴۳ شهر در ۱۵ کشور جهان آکسیونهایی علیه اعدام برپا شد. صدها فعال فمینیست بیانیه ای علیه اعدامها دادند. یک وجه قبل توجه این آکسیونها و اکت های اعتراضی قطعنامه مشترک و سراسری و پوستره های هماهنگ یک دست و پر فورمنس های زیبای آنها بود که ابعاد سازمانیافتگی آنها را به نمایش میگذاشت. گزارشات این تظاهراتها در رسانه های مختلف شناخته شده بازتاب یافت و کانال جدید بصورت پخش زنده آنها را انعکاس داد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی یکی از حامیان این کارزار بوده و اتحادیه های کارگری، نهادهای انساندوست و شخصیت های سیاسی جهانی را در جریان این کارزار قرار داده و خواستار حمایت شده است و در این مدست پاسخ هایی هم گرفتیم. آخرین مورد این حمایت ها، همبستگی "کارزار موزیک برای ایر" است که در سال گذشته از سوی جمعی از حمایت کنندگان کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) در پاسخ به فراخوان این کمپین برای حمایت از کارگران زندانی و انقلاب زن زندگی آزادی به راه افتاد. در این کارزار صد گروه موزیک از انگلیس و کشورهای آمریکا و کانادا با اهدای یک ترانه خود که بصورت رکودی تهیه شده بود، همبستگی خود را اعلام داشتند. اکنون برگزار کنندگان این کارزار در حمایت از کارزار جهانی علیه اعدام دست به کار شده و تلاش میکنند صدای این اعتراض جهانی باشند. از سوی دیگر طوماری تحت عنوان اتحادی جهانی علیه اعدامها در ایران منتشر گردید که تا کنون بیش از ۱۵۰۰ نفر آنرا امضا کرده و همچنان امضاها ادامه دارد.

باید کاری کنیم که این حمایتها چندین برابر شود. همه مردم مدافع زندگی انسانی باید در کنار هم در مقابل این ماشین جنایت و کشتار بایستند و حکومت جانان

قطعه نامه هفته کارزار جهانی علیه اعدامها در ایران



ما به نام زن زندگی آزادی با شما سخن میگوییم. ما به نام دفاع از زندگی و لغو مجازات اعدام در ایران با شما سخن میگوییم. ما به نام زندانیان سیاسی، عادی، دو تابعیتی های گروگان گرفته شده، و در یک کلام به نام صدها نفری که قوه قضائیه سرتاپا فاسد جمهوری اسلامی حکم اعدام به آنها داده با شما سخن میگوییم. ما کارزاری جهانی علیه اعدام در ایران برپا کرده ایم که از ونکوور و مونترال تا استکهلم و رم و از بغداد و سلیمانیه تا سنندج و تهران و زاهدان وسعت دارد. ما حمایت شما شهروندان جهان را از این خواسته های مردم ایران طلب میکنیم:

اعدامها در ایران باید بلادرنگ متوقف شوند!

همه احکام اعدام باید فوراً لغو شوند!

اعدام این قتل عمد حکومتی باید از قوانین کیفری در ایران حذف شود.

زندانیان سیاسی، عقیدتی، دو تابعیتی و همه معترضین دستگیر شده فوراً آزاد گردند و از آنها رفع اتهام شود.

علی خامنه‌ای، ابراهیم رئیسی و همه مقامات قضایی و امنیتی که در اعدامها دست داشته اند مسئول شناخته شوند، محکوم شوند و تحت تعقیب قضایی مراجع بین المللی قرار گیرند.

از همه اتحادیه‌ها و تشکل‌های مردمی، از سازمانها و نهادهای بشر دوست و مترقی دنیا می‌خواهیم به هر شکل ممکن علیه اعدامها در ایران اعتراض کنند و حمایت خود را از مردم ایران اعلام کنند.

از دولتهای دنیا می‌خواهیم که در قبال هر یک اعدام در ایران:

- فوراً عکس العمل نشان دهند و آن را محکوم کنند.

- یک دیپلمات جمهوری اسلامی یا یکی از وابستگان یا مقامات رژیم را اخراج کنند.

- اعضای بلند پایه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قوه قضائیه را در فهرست تحریمها قرار دهند.

ما بویژه از اتحادیه اروپا می‌خواهیم با خواست توقف اعدامها در ایران سفرای خود را بطور دسته جمعی فرا بخوانند.

از سازمان ملل می‌خواهیم تا برای اعزام هیات‌های بازدید از زندانها و ملاقات با خانواده‌های اعدامی‌ها و زندانیان سیاسی تلاش بیشتری بخرج دهد و جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهد.

از مردم جهان می‌خواهیم همان رفتاری را با رژیم اسلامی ایران داشته باشند که با حکومت ضد انسانی آارتاید آفریقای جنوبی در دهه‌های پیش داشتند: بایکوت جهانی جمهوری اسلامی به دلیل جنایات هر روزه علیه مردم ایران.

نه به اعدام، زنده باد زندگی، زنده باد همبستگی جهانی! (برگرفته از مدیای اجتماعی)

شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<https://free-them-now.com/>

۲۱ ژانویه ۲۰۲۴، ۱ بهمن ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

نگاهی به کارزار جهانی ...

از صفحه ۱۱

نمونه دیگرش دایه شریفه مادر جانباخته رامین حسین پناهی است. که با فریاد "جوانانمان را اعدام نکنید" حمایت خود را از کارزار علیه اعدامها اعلام داشت. و نمونه زیبای دیگرش مادر جاویدنام #آرام_حبیبی، قهرمان شجاعی است که در جریان انقلاب «زن زندگی آزادی» به ضرب گلوله سرکوبگران کشته شد. این مادر با صلابت کنار مزار فرزندش ایستاد و با به دست گرفتن دست نوشته‌ای که اسامی جوانانی که در خطر اعدام هستند بر روی آن نوشته شده بود، صدای اعتراض علیه اعدامها را بلند کرد.

۲- خانواده‌های عزیزی که همین امروز جانشان در خطر است بخش دیگر فعال علیه اعدامها هستند. تجمع آنان مقابل اوین و طلب کمک کردشان از مردم برای حمایت از عزیزانشان و سخنان تکان دهنده برخی از این مادران در میتینگ‌های اعتراضی در کشورهای خارج کشور و پیامهای ویدئویی آنها در مدیای اجتماعی بخشی، جنب و جوش علیه اعدام را بیشتر دامن زد.

۳- بیانیه‌های اعتراضی نهادها، تشکلهای و بخش‌های مختلف مردمی علیه اعدامها بخش دیگری از کارزار علیه اعدامها در ایران بود. از جمله علاوه بر بیانیه‌ده تشکل‌های کارگری و اجتماعی علیه اعدامها تشکلهای و نهادهایی چون سندیکای شرکت واحد، کانون نویسندگان ایران و جمعی از فعالین سیاسی و مدتی از شهرهای اشنویه، پیرانشهر، نقده و سردشت علیه اعدامها بیانیه دادند و اتمام حجت کردند. آخرین مورد از این بیانیه‌ها که بازتاب وسیعی داشت، بیانیه سراسری دانشجویان تحت عنوان "ما اعدام را تحمل نمی‌کنیم و حکومت اعدامی را نابود خواهیم کرد!" بود. بیانیه‌ای که امضای هفده دانشگاه و جمع دانشجویی را همراه داشت و کیفرخواستی علیه اعدام و بساط سرکوبگریهای حکومت بود.

۴- شعار نویسی‌ها بر در و دیوار شهرها علیه اعدام و نصب عزیزان به قتل رسیده بر اماکن عمومی و موجی همبستگی‌ها با خانواده‌هایی که عزیزانشان در خطر اعدام هستند در مدیای اجتماعی جلوه دیگری از جنبش علیه اعدام است. یک نمونه از این شعارها شعاری است که از سوی کارگری در نفت با شعار مرگ بر دیکتاتور و اعلام همبستگی با کارزار علیه اعدام اعلام موضع کرد. نمونه دیگرش آویزان کردن بنر نه به اعدام در زیر پل هوایی یکی از خیابانهای تهران بود. همینطور پخش تراکت‌هایی با اعلام حمایت از کارزار نه به اعدام و فراخوان ده تشکل به اتحاد سراسری علیه اعدامها شکل دیگری از آن بود. در این هفته مدیای اجتماعی به مرکز فعال اعتراض علیه اعدامها تبدیل شد و در زیر پست‌های آن دو گفتمان #اعدام_قتل_عمد_دولتی است، و #نه_به_اعدام به گفتمانی وسیع و اجتماعی تبدیل شد. همچنین طرفانی توتیری علیه اعدامها به راه افتاد.

۵- در این یک هفته نشستها و جلسات آنلاین هماهنگ کنندگان کارزار جهانی علیه اعدامها در زوم به محل پیوند مبارزه علیه اعدام در ایران و در خارج کشور تبدیل شد. مادرانی که عزیزانشان در خطر اعدام هستند آمدند و صحبت کردند و از اتحاد و همبستگی‌ای که شکل گرفته است امید گرفتند. خانواده‌هایی از دادخواهان آمدند و رو به جامعه سخن گفتند. در یک مورد یکی از خانواده‌هایی که عزیزانشان تحت عنوان جرایم معتادان اعدام شده است سخن گفت. و با گفتن اینکه مقصر این سیستم است و این جوانان قربانی هستند اعدام به هر شکل آن را محکوم کرد و بر لغو مجازات اعدام تاکید کرد. گفته‌های او تکان دهنده بود و شنیدن بودن اعدام را بیش از پیش مقابل چشم همه قرار داد. همچنین یکی دیگر از خانواده‌های دادخواهان بر نقش مبارزه علیه اعدامها در خارج کشور و اطلاع رسانی وسیع و جلب توجه جهانی به این شکل آشکار جنایت تاکید کرد. و بر تداوم قدرتمند این کارزار تاکید کرد. بدینگونه هفته جهانی کارزار علیه اعدام تحرکی دیگر بر شبکه‌های مبارزاتی‌ای که در طول انقلاب زن زندگی آزادی در سطح جهان شکل گرفته است بخشید و مسیر تداوم اعتراض علیه جمهوری اسلامی و سرکوبگریهایش را هموار کرد. وسیعاً به این کارزار پیوندیم. زنده باد اتحاد سراسری جهانی علیه اعدامها در ایران. زنده باد انقلاب



کارگران در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده: سهیلا رضوانی

دوشنبه ۲۵ دی ماه ۱۴۰۲

- جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در استان‌های کرمانشاه، زنجان، مرکزی، آذربایجان غربی، تهران، هرمزگان، خوزستان، گیلان، فارس، لرستان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، همدان، مازندران، استان کردستان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مجدداً مطابق با دوشنبه‌های اعتراضی مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

- کارگران ارکان ثالث (شرکتی) مناطق نفتخیز جنوب اهواز نیوساید در اعتراض به تعرضات معیشتی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

- غلامرضا غلامی کندازی و ایرج راهنما دو معلم زندانی استان فارس در اعتراض به رویکرد قوه قضایی و پرونده سازی‌های پوچ امنیتی با پیام‌های صوتی جداگانه اعلام اعتصاب کردند این معلمان از ۲۲ دی در اعتراضند.

- در سایه فقدان ایمنی محیط و شرایط نامناسب کار طی ۹ ماه اخیر دست‌کم ۵۲۰ کارگر در استان کرمانشاه مصدوم شده‌اند و ۳۲ تن دیگر در حوادث کاری جان خود را از دست دادند.

- کشاورزان اصفهان در اعتراض به عدم ترخیص حقایبه به کشاورزان و مشکل بی آبی دست به تجمع زدند.

- رضا اقدسی فعال کارگری و از کارگران اخراج‌شده ایران خودرو با اتهامات واهی به چهار سال حبس تعزیری محکوم شد.

- در پی وقوع حادثه‌ای که در کارخانه صنایع فلزی کوشا نوین پارس در شهرک صنعتی مامونیه ساوه واقع در استان مرکزی ۷ کارگر دچار سوختگی شدند.

روز سه شنبه ۲۶ دی ماه ۱۴۰۲

- مصطفی زمانی، کارگر جوشکار و از فعالین مؤثر اعتصابات سراسری پروژه‌های نفت و گاز توسط مأموران امنیتی در اصفهان بازداشت شد.

- بازنشستگان فرهنگی و تأمین اجتماعی در اهواز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان استانداری خوزستان مشترک دست به تجمع زدند. در این روز بازنشستگان کشوری در شهرهای کرمانشاه، یزد، قزوین، همدان مقابل صندوق بازنشستگی دست به تجمع اعتراضی زدند.

- شماری از کارگران کارخانه سیمان کنگان در بوشهر با برگزاری تجمعات اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

روز چهارشنبه ۲۷ دی ماه ۱۴۰۲

- معلمان خرید خدمات در برابر وزارت آموزش و پرورش در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی پس از ده سال تدریس در مناطق محروم و عملی نشدن وعده وزیر برای تبدیل وضعیت به قراردادمعین دست به تجمع اعتراضی زدند.

- گروهی از کارگران متقاضی مسکن ملی در مقابل ساختمان سازمان مسکن و شهرسازی زنجان، دست به تجمع اعتراضی زدند.

- کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری مقابل ساختمان مدیریت این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

- با تلاش و پیگیری فعالین معلم و به دنبال نامه ۴۴۴ فعال کنشگر معلمی و کارگری

و مدنی، عزیز قاسم زاده از زندان لاکان رشت برای ۵ روز به مرخصی درمانی آمد. عزیز قاسم زاده باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- عاتکه رجبی معلم زندانی که به حکم شعبه ۲۱ اجرای احکام دادگاه مشهد برای گذراندن دوماه حبس، روانه زندان مشهد شده بود، با پایان دوران محکومیت آزاد شد.

روز پنج شنبه ۲۸ دی ماه ۱۴۰۲

- شریفه محمدی، فعال کارگری بیش از ۴۰ روز است که در زندان به سر می‌برد و در این مدت به جز چند تماس بسیار کوتاه با فرزند ۱۲ ساله‌اش، اجازه ملاقات و تماس با خانواده را نداشته است.

- طاهر اصغریور از معلمان استان البرز و مترجم با حکم تجدید نظر استان البرز به چهار ماه حبس قطعی محکوم شد.

- مدیر کل پزشکی قانونی استان مازندران اعلام کرد که در ۹ ماهه امسال ۱۰۴ کارگر بر اثر حوادث کار در استان جان خود را از دست دادند. رقمی که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۹ درصد افزایش داشته است. محیط‌های کار بخاطر سودجوی سرمایه داران مفتخور به قتلگاه کارگران تبدیل شده است.

- گروهی از جامعه علمی ژنتیک پزشکی، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان در مقابل ساختمان سازمان نظام پزشکی در تهران تجمع کردند.

- بنا بر اخبار منتشر شده، صد و سیزده تن از کارگران پروژه مترو اهواز از عدم پرداخت مطالبات مزدی خود خیر داده‌اند.

روز جمعه ۲۹ دی ماه ۱۴۰۲

- کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره بهرگان در محل کار خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز شنبه ۳۰ دی ماه ۱۴۰۲

- کارکنان قراردادی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب در اهواز با خواست مستقیم شدن قراردادها مقابل ساختمان ستاد این شرکت دست به تجمع زدند.

- رئیس اتحادیه خیاطان در تلویزیون اعلام کرد که اعتراض کارگر مساوی با اخراج است. اما کارگران همچنان پیگیر خواسته‌هایشان هستند.

- جمعی از کارگران پالایشگاه‌های اول، سوم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و دوازدهم پارس جنوبی دست به اعتصاب زدند و در محل کار خود تجمع کردند.



بیانیه مشترک ۱۷ تشکل و جمع دانشجویی سراسر کشور: ما اعدام را تحمل نمی‌کنیم و حکومت اعدامی را نابود خواهیم کرد!

ما مبارزین و انقلابیون «زن زندگی آزادی» مخالف سرسخت مجازات اعدام هستیم و اعلام می‌کنیم که تحت هیچ شرایطی، برابر اعدام، این «قتل عمد حکومتی» سکوت نخواهیم کرد.

با توجه به بالا گرفتن موج اعدام‌ها در روزها و هفته‌های اخیر در چهار گوشه کشور و تایید حکم اعدام رضا رسایی، مجاهد کورکور، منصور دهمرده، فرشید حسین‌زهی، وفا آذربار، محمد فرامرزی، پژمان فاتحی و محسن مظلوم؛ لازم است اعتراض سراسری در برابر این موج توحش و ضدیت علیه انسان و انسانیت را با کارزارها و اقدامات میدانی گسترش دهیم.

خانواده‌های محکومین و قربانیان حکم ضدانسانی اعدام در مدت اخیر، بارها اعلام کردند که عزیزان‌شان، تحت شکنجه و وحشی‌گری جلادان حکومتی و ادار به اعتراف علیه خود شده‌اند و پرونده‌های آنها سراسر ضد و نقیض است.

اما حکومت با ایجاد رعب و وحشت به واسطه صدور و اجرای احکام اعدام، به دنبال برون‌رفت از بحران سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و

بین‌المللی‌ای است که روز به روز تشدید می‌یابد. جمهوری اسلامی تصور می‌کند که با اعدام معترضین و مخالفین می‌تواند جامعه را مرعوب کند و انقلاب‌مان و اعتراضات‌مان را مهار و متوقف کند؛ اما این یک توهم است. ما جمهوری اسلامی را نابود خواهیم کرد.

در حال حاضر باید همسته و سراسری دوشادوش خانواده‌های محکومین به اعدام، علیه این اعدام‌ها بایستیم. ما باید با اعتراض کردن، حربه اعدام را از این حکومت گرفته و آن را از کار بیاندازیم. از این رو ما دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی بار دیگر مانند همیشه اعلام می‌کنیم در این مبارزه، کنار خانواده‌هایی که برای عزیزان‌شان حکم اعدام صادر شده و یا در خطر صدور حکم هستند؛ قرار می‌گیریم.

ما همان‌گونه که در شعار انقلاب‌مان «زن زندگی آزادی» (پیداست؛ جزء «زندگی» از این شعار تاریخی را به معنای «حق حیات» و برخورداری از رفاه، امنیت، آسایش و خوشبختی تک به تک انسان‌ها، یک ارزش پایه‌ای و اساسی می‌دانیم و برای آن مبارزه می‌کنیم.

هدف ما در پیروزی انقلاب‌مان، سرنگونی رژیم جلاّد و قاتل و نابود کردن قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی اسلامی است و در این مسیر تا رسیدن به جامعه‌ای انسانی، آزاد، برابر، مدرن، مرفه برای همگان، بدون اعدام، سکولار و امن برای همه دست از مبارزه نخواهیم کشید.

امضاها:

- تشکل دانشجویان پیشرو
- نهاد آزادی‌خواهان دانشگاه تهران شمال
- کمیته سراسری دانشجویان کردستان
- نهاد مستقل دانشجویان دانشگاه آزاد اصفهان
- نهاد آزاداندیشان جندی‌شاپور
- دانشجویان مستقل دانشگاه خواجه نصیر
- تشکل دانشجویان پیشرو
- نهاد آزادی‌خواهان دانشگاه تهران شمال
- کمیته سراسری دانشجویان کردستان
- نهاد مستقل دانشجویان دانشگاه آزاد اصفهان
- نهاد آزاداندیشان جندی‌شاپور
- دانشجویان مستقل دانشگاه خواجه نصیر
- جمعیت صدای آزاد دانشگاه (هنر اصفهان)
- اتحاد دانشگاه صنعتی اصفهان
- اتحاد دانشجویان دانشگاه الزهرا
- دانشگاه اصفهان
- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
- دانشگاه کردستان
- دانشگاه فنی حرفه‌ای دخترانه سنندج
- دانشگاه فنی یزدان پناه کردستان
- دانشگاه فنی مهاجر اصفهان
- دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
- دانشگاه شیراز
- حکومت اعدامی نابود باید گردد
- پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی
۲۸ دی ۱۴۰۲
برگرفته از مدیای اجتماعی

رسیدگی به خواسته‌هایشان همچون یکشنبه‌های گذشته در اصفهان، قائم شهر، تهران دست به تجمع زدند.

- کارگران ارکان ثالث شاغل در شرکت نفت و کار گچساران در اعتراض به بی‌توجهی و عدم پاسخگویی مسئولین به خواسته‌ها و مطالباتشان دست به اعتصاب زده و مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند.

- محمود بهشتی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران بار دیگر با اتهامات فعالیت تبلیغی علیه نظام و نشر اکاذیب در شعبه چهارم دادیاری لنگرود حاضر و پس از تفهیم اتهامات فوق با قرار کفالت به مبلغ صد میلیون تومان موقتاً آزاد شد. یک کارزار مهم معلمان اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص بسته شدن پرونده‌های امنیتی است.

- جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعی اهواز دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

از صفحه ۱۳

کارگران در هفته‌ای که گذشت...

- در سایه فقدان ایمنی محیط و شرایط نامناسب کار، یک معدنچی در معدن سنگ واقع در روستای سرچاه از توابع شهرستان اردل، بر اثر سقوط سه تخته سنگ بزرگ جان خود را از دست داد. ایمنی محیط کار به دور از هر گونه سودجویی خواست فوری کارگران است.

- سیامک صادقی چهارزی، از فعالین صنفی معلمان خوزستان، با دریافت ابلاغیه‌ای به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری اهواز احضار شد. سیامک چهارزی صدای اعتراض معلمان است.

روزیکشنبه ۱ بهمن ماه ۱۴۰۲

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز و اراک در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند. بخش‌های مختلف بازنشستگان کشوری، تأمین اجتماعی، فولاد و لشکری برای ساعت ده صبح روز سه‌شنبه ۳ بهمن به تجمع مشترک و بزرگی فراخوان داده‌اند.

- بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم



بیانیه تبیینی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران نسبت به عوارض حضور روحانیون در مدارس و تداوم سیاست آموزش ایدئولوژیک

و عادت چهل و چهار ساله به سیاست های تجویزی/دستوری است. از آنجا که برای ما روشن است که ساختار

سیاسی حاکم، کمترین علاقه ای به تحول بهینه در ساختار آموزشی کشور ندارد، و نشانه روشن آن قرار گرفتن فردی با سابقه امنیتی در راس آموزش و پرورش کشور است، ما به عنوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، با مخاطب قرار دادن خانواده های ایرانی نسبت به عواقب حضور سیستماتیک روحانیون در مدارس و خطرات آن برای کودکانشان هشدار می دهیم:

یک. می دانیم که در سالهای اخیر کیفیت آموزش در مدارس ایران بدلائل مختلف از جمله بی کفایتی مدیران و تصمیم گیران آموزشی به شدت افت داشته است. حضور افراد غیر متخصص همچون روحانیون در مدارس می تواند وضعیت را به مراتب اسفناک تر سازد. چرا که حضور آنها در مدارس صرفا محدود به امور پرورشی و دروس دینی نیست. در ماه های اخیر مواردی از حضور روحانیون در مدیریت یا معاونت های آموزشی و حتی دروس تخصصی در برخی مدارس مشاهده است.

دو. تضاد میان ارزش ها و هنجارهای مورد قبول کودکان و نوجوانان و ارزش های تجویزی روحانیون، می تواند به تقابل در محیط مدارس منجر شود. به عبارت دیگر مدرسه به عنوان محیطی برای آرامش و آموزش می تواند به صحنه جدال های ایدئولوژیک تغییر شکل دهد. چنین تجاربی برای کودکان و نوجوانان آثار مخربی بدنبال خواهد داشت.

سه. حضور روحانیون در مدارس با دستورالعمل مشخص پیشبرد آموزش ایدئولوژیک، می تواند شکلی از امنیتی سازی مدارس را به خود گیرد. چرا که دستورالعمل مشخص این افراد تطبیق جز به جز سیاست های ارزشی حاکم در مدارس است. همانطور که اجرای این سیاست ها در سطح جامعه با شکست مواجه شده و حاکمیت مجبور به اعمال دستورالعمل های امنیتی/انتظامی گسترده در برخورد با نوجوانان و جوانان شده است، رسیدن به چنین سطحی از برخورد با حضور روحانیون در مدارس قابل پیش بینی است. بویژه این خطر برای دانش آموزان دختر و در مسئله برخورد با حجاب اختیاری بیشتر است.

۴. گوهر دین که "امر قدسی" است، یک دال تهی است که با دالهای دیگر بسط می یابد، همیشه سلسله دالهایی بدون مدلل برای معنابخشی به امر قدسی بکار گرفته می شود، این امر سبب تفسیرهای مختلف و جنگ های ویرانگر در تاریخ بشر شده است. هیچ تفسیری حقیقت آن امر کلی را بیان نمی کند، "قدرت سیاسی" برای به ثمر رساندن اهداف سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود یک تفسیر رسمی ارائه می دهد و تمام سازو برگ های ایدئولوژیک خود را با انواع خشونت ها که لباس دین و قانون هم بر تن آن ها می کند، به کار می گیرد تا تفسیر رسمی خود را حقیقت کند. حاکمیت یکی از نهادهای حساس جامعه را (آموزش و پرورش) ابزار پیش بردن این قرائت رسمی و کاملاً سیاسی خود ساخته است. با پرورش سربازان خود که "طلاب" نام دارند، با تعصبات محض نسبت به حاکمان به انهدام دیگر تفسیرها

همت گمارده و این نهاد را که می بایست با بی طرفی دینی و ایدئولوژیک، مسیر علم و عقلا نیت را پیماید به اردوگاهی برای بنیادگرایی مذهبی تبدیل کند. از آنجا که رمز بقای حوزه های علمیه استقلال آن ها از حکومت وقت بوده، از مراجع تقلید و حوزه های علمیه انتظار می رود در مورد تحمیل طلاب به آموزش و پرورش اعلام موضع نمایند.

در طی چهل و پنج سال گذشته، سیستم آموزشی در سطوح مختلف و از جمله مدارس همواره ابزار بازنمایی ارزشهای رسمی حاکمیتی و بازتولید نظام آموزشی ایدئولوژیک بوده است.

چارچوبی گزینشی و نگاهی ابزاری به مدرسه و ساختار آموزش و پرورش که در آن، نگاهی انسانی به مقوله آموزش غایب است.

به عبارت دیگر، ساختار آموزشی برای حکومت مستقر، صرفاً تا جایی محل توجه است که سربازانی برای پیشبرد اهداف سیاسی/ایدئولوژیک حکومت تربیت کند.

با این همه نگاهی به وضعیت مدارس در کشور و توجه به خواسته ها، مطالبات و رویاهای نسل نوجوان و جوان در ایران نشان می دهد که نه تنها، حکومت در پیشبرد چنین سیاستی در ساختار آموزشی ناتوان بوده است که، میان هنجارها و ارزش های رسمی و ارزش های فرهنگی نسل جدید، فرسنگ ها فاصله وجود دارد.

شکست سیاست های حاکمیتی در ساختار آموزشی، در پیشبرد آموزش ایدئولوژیک، در بزنگاه جنبش ژینا/مهسا بیش از پیش نمایان شد.

همراهی گسترده دانش آموزان و معلمان با معترضان به شکل های مختلف نمادی از این تلاش های ناکام بیش از چهار دهه ای حکومت در یکسان سازی ساختار آموزشی با آموزه های اسلام سیاسی بود.

در طول جنبش و بعد از آن، حاکمیت تلاش کرد با بازداشت دانش آموزان و معلمان و پس از آن با اخراج و تعدیل و جابجایی های گسترده نیروی آموزشی در سطح مدارس، به گونه ای شرایط پیش آمده را مدیریت کند.

در طول یک سال گذشته نیز یکی از سیاست های اعلامی و تبلیغاتی، استخدام طلاب و روحانیون در آموزش و پرورش و به کارگیری آنها در مدارس به عنوان نیروی آموزشی بوده است.

به عبارت دیگر هدف ترسیم شده، پاکسازی مدارس از نیروی آموزشی متخصص و جایگزینی آن با طلبه ای است که کمترین تخصصی در حوزه آموزش کودکان و نوجوانان ندارد.

سیاستی که به شکل های مختلف در طول بیش از چهار دهه بدنبال شده است و نگاهی به ساحت اجتماعی و سیاسی بیانگر این مدعا است که نهاد روحانیت در همه حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و حتی صنعتی حضور چشمگیری دارد.

آموزش و پرورش نیز از چنین گزند دور نبوده است، چرا که همواره در این سالها در راس مجموعه تدوین کتاب های درسی یک روحانی ریاست داشته است، بی آنکه کسی بداند که کدام ضرورت حضور دایمی یک روحانی را در راس این مجموعه ایجاب می کند.

با این همه حضور کم رنگ روحانیون در مدارس در این سالها نه از سر علاقمندی ساختار به تخصص، که بیشتر به عدم وجود منافع کافی و وافی در این بخش برای روحانیون است. چرا که نمایندگان آنها به نام حوزه های پرورشی و تربیتی تلاش داشته اند که اجرا کننده سیاست های تدوین شده نهاد روحانیت به عنوان بخش مهمی از طبقه حاکم در مدارس باشند.

با این همه جنبش ژینا/مهسا نگرانی های عمده ای را برای سیستم مستقر بدنبال داشته است، به گونه ای که حاضر شده است که به این حضور نمادین، شکلی واقعی ببخشد.

استخدام گسترده روحانیون در آموزش و پرورش و سیاست جایگزینی آخوند به جای معلم در مدارس یک حرکت ارتجاعی به مکتب خانه های دهه سی می باشد که همه دست آوردهای آموزش و پرورش در صد سال اخیر را به باد می دهد.

سیاستی که بیش از هر چیز ناشی از عدم شناخت صحیح از کودکان و نوجوان ایرانی



ادامه زندانی کردن شریفه محمدی محکوم است اخبار دیگری از کارگران زندانی و بازداشتها و احضارها

شریفه محمدی، فعال کارگری از تاریخ ۱۴ آذر در زندان است. او در رشت بازداشت شده و پس از ۲۰ روز به زندان سنندج منتقل گردیده است. اکنون بیش از ۴۰ روز از دستگیری او میگذرد و در این مدت به جز چند تماس بسیار کوتاه با فرزند ۱۲ ساله اش، اجازه ملاقات و تماس با خانواده را نداشته است. بنا بر خبرها شریفه محمدی به خاطر بیماری دیسک کمر به دردهای شدیدی مبتلا شده و بیماری اش در زندان تشدید شده است. بی خبری از شریفه محمدی با توجه به وضعیت بیماری و به خطر افتادن سلامت وی، موجب نگرانی شدید خانواده و دوستانش شده است. همچنین یکی از انگشت های او در زندان به عفونت مبتلا شده است. علی رغم اینکه او به درمان فوری پزشکی نیاز دارد، رجیبی بازپرس شعبه ۴ دادرسی رشت کماکان از دادن پاسخ درباره روند پرونده به خانواده او امتناع می کند. شریفه محمدی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود و تحت درمان پزشکی قرار گیرد.

- روز ۲۷ دی عاتکه رجیبی معلم زندانی، که به حکم شعبه ۲۱ اجرای احکام دادگاه مشهد برای گذراندن دوماه حبس، روانه زندان مشهد شده بود، آزاد شد. آزادی عاتکه رجیبی را به او، و به همگان تبریک میگوییم.

- بدنبال پیگیری فعالین معلم و نامه اعتراضی ۴۴۴ نفر از معلمان و فعالین کارگری روز ۲۷ دی عزیز قاسم زاده از فعالین معلم زندانی در گیلان برای ۵ روز به مرخصی درمانی آمد.

- روز ۲۶ دی نرگس منصورى، کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و فعال اجتماعی پس از ۲۳ روز اعتصاب غذا و دارو در اعتراض به قطع تماسهای تلفنی بخاطر وخامت حال جسمانی به بیمارستان منتقل شد. از حدود دو هفته قبل تا کنون سیزده زندانی سیاسی زن در اوین از جمله گلرخ ایرایی، آبنشاسداللهی، نرگس محمدی، سروناز احمدی، فروغ تقی پور، مرضیه فارسی، محبوبه رضایی، سپیده قلیان، ارغوان فلاحی، شیوا اسماعیلی، پروین میرآسان و نسیم سلطان بیگی، پس از اعتراض به حضور مقام های قضایی در زندان اوین، با دستور مقامات قضایی، از حق تماس تلفنی محروم شده اند. این زندانیان هنگام حضور مقامات قضایی حکومت در زندان، با شعار زن زندگی آزادی، و فریاد محسن شکاری را چرا اعدام کردید، اعتراض خود را به اعدام ها اعلام کردند.

- رضا اقدسی فعال کارگری و از کارگران اخراج شده ایران خودرو با اتهامات واهی

امنیتی به چهار سال حبس محکوم شد. او سال گذشته به همراه همسرش بخاطر شرکت در اعتراضات ۱۴۰۱ چندین بار احضار و تهدید و بازداشت شدند. رضا اقدسی دوم آبان بازداشت و در بند بند ۴ زندان اوین بسر میبرد.

جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی جنبشی قدرتمند در ایران است. ده تشکل کارگری و اجتماعی طی بیانیه ای علیه اعدامها و سرکوبگری های حکومت بر آزادی فوری و بدون قید و شرط معلمان، کارگران و تمامی زندانیان سیاسی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات تاکید کرده اند. بعلاوه کارزاری یک هفته ای از ۱۳ تا ۲۰ ژانویه با حمایت بیش از ۹۰ سازمان سیاسی و حقوق بشری، و ۷۰۰ فعال سیاسی و اجتماعی در ۱۳ کشور و ۳۸ شهر در دنیا علیه اعدامها در ایران به جریان افتاده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) تلاش میکند صدای این کارزارها و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی در سطح جهان باشد. جمهوری اسلامی بخاطر تمام جنایات و سرکوبگریهایش باید در سطح جهان بایکوت شود و سران جنایتکارش به محاکمه کشیده شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۷ دی ۱۴۰۲، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۴

shahla.daneshfar2@gmail.com

https://www.free-them-now.com/

برگرفته از مدیای اجتماعی



دهید. قطعاً در این مسیر، ما نیز در کنار شما خواهیم بود. چرا که همچون گذشته کودکان و دانش آموزان ما، برای ما خط قرمز هستند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران
۱۴۰۲/۱۰/۲۸

برگرفته از مدیای اجتماعی

از صفحه ۱۵

بیانیه تبیینی شورای هماهنگی ...

در پایان ما به عنوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، به خانواده های ایرانی هشدار می دهیم که نسبت به عوارض چنین سیاست هایی برای کودکان خود، بی تفاوت نباشند. در سالهای گذشته تعدادی از همکاران ما در این تشکل در راستای مخالفت با آموزش ایدئولوژیک، دفاع از آموزش رایگان و دفاع از حقوق دانش آموزان متحمل هزینه های زیادی شده اند. نمونه اخیر آن تجمع اسفند ماه سال گذشته در اعتراض به مسمومیت سازی مدارس بود.

توصیه مشخص ما به شما، مقاومت مدنی در مقابل اجرای چنین سیاست های در مدارس است. شما می توانید به شکل های مختلف از جمله نامه نگاری، اعتراض رسانه ای و تجمع در مقابل ادارات آموزش و پرورش، اعتراض خود را نشان